

خدای و هایت

ویرایش جدید

اهانت مفتیان و هابی به ساحت قدس ربوبی عز و جلّ

با استناد به روایات کتاب مسلم و بخاری

گروه مخاطب: طلباء، دانشجویان؛ اساتید حوزه و دانشگاه

سید مجتبیٰ عصیری

سرشناسنامه	: عصری، مجتبی، ۱۳۴۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: خدای وهایت: اهانت مفتیان به ساحت قدس ربوبی عزوجل.../ سید مجتبی عصری.
مشخصات نشر	: قم: رشید، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۳۳۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۳۳-۰۶-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: وهایه - دفاعیه ها و ردیها - احادیث اهل سنت
موضوع	: وهایه - عقاید
موضوع	: خدا
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۱ خ ۴/۵۷/۲۰۷/۶ BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۱۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۸۵۲۷۷۴

شناسنامه کتاب

خدای و نایت

نویسنده: سید مجتبی عصری - ۱۳۲۱

ناشر: رشید

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۳۳-۰۶-۹

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب

نوبت چاپ: اول/ ۱۳۹۱

شمارگان: ۱۰۰۰

بهاء: ۷۰۰۰ تومان

تهیه کتاب: ۰۹۳۹۵۹۵۶۴۶۴

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است

فهرست مطالب

۱۹.....	خطبه کتاب
۲۱.....	آغاز سفر
۲۱.....	شناخت اجمالی وهابیت
۲۳.....	دورنمایی از فصل نخست کتاب
۲۴.....	«خدای وهابیت» کیست؟
۲۶.....	«خدای من» کیست؟
۲۸.....	«پیامبر وهابیت» کیست؟
۳۱.....	«پیامبر من» کیست؟

فصل نخست:

فتاوی اهانت آمیز مفتیان وهابی

۳۷.....	دیباچه
۳۸.....	اساس مکتب وهابیت بر جسمانیت خداوند
۴۳.....	۱. تصریح ابن تیمیه، بر جسمانیت خداوند
۴۴.....	۲. خدای ابن تیمیه، سوار بر پشه

۳. خدای ابن تیمیه، هر شب در آسمان دنیا ۴۴
۴. خدای ابن تیمیه، با تمام اعضا جز ریش و عورت ۴۴
۵. خدای ابن تیمیه، ناقص الخلقه در کبد، طحال و آلت تناسلی ۴۵
۶. خدای ابن تیمیه، با انگشتانی سرد در میان کتف‌های پیامبر ﷺ ۴۷
۷. خدای ابن تیمیه، اگر جسم نباشد خدا نیست ۴۹
۸. خدای علمای وهابی، هروله کنان می‌دود ۵۰
۹. خدای ابن تیمیه، در نگاهی دیگر: ۵۱
۱۰. خدای علمای وهابی در عرش، خارج از دنیا و مخالف این عقیده کافر ... ۵۲
۱۱. امام هادی علیه السلام در پاسخ به وهابیت و نظریه جسمیت ۵۵
۱۱. ابن تیمیه که زمین را ثابت و مسطح می‌داند ۵۶
- مرجعیت شیعه در پاسخ به وهابیت و نظریه جسمانیت ۵۹
- آیات قرآن کریم در نفی تجسم ۶۸
- وهابیت و تخریب ستون رمی جمرات ۷۱
- وهابیت و ساخت نماد ابلیسک بر فراز خانه کعبه ۷۴
- وهابیت و ساخت نماد ابلیسک در بالای جبل الرحمة ۷۸
- وهابیت و رهاسازی میمون در اطراف غار حراء ۷۹

فصل دوم:

روایات اهانت آمیز به ساحت مقدس ربوبی

- همخوانی روایات جسمانیت خداوند با تورات تحریف شده ۸۳
۱. خدایی در شکل و قیافه حضرت آدم، با قامتی ۶۰ ذراعی ۸۶
- ۸۸

۳. خدایی که می‌توانیم ببینیم، با او چانه بزنیم و به خواسته‌های خود برسیم. ۹۰
۴. شناخت خداوند از ساق پای عریاننش ۹۴
۵. خدای خندان ۹۶
- الف. خدایی که می‌توانیم ببینیم، با او چانه بزنیم و به خواسته‌های خود برسیم. ۹۶
- ب. روایتی دیگر از مسلم نیشابوری، شبیه روایت بالا از بخاری ۹۶
- ج. خدایی که تعجب می‌کند و می‌خندد ۹۹
- د. خدایی که به جهادگران در راه خودش می‌خندد ۹۹
- ه. زنده باد خدایی که می‌خندد! ۱۰۰
۶. خدایی متعجب ۱۰۱
۷. منزل خدا ۱۰۲
۸. فاصله خدا با ما ۱۰۳
۹. وصل شدن به خدا با طاب ۱۰۵
۱۰. بارانی که از پیش خدا می‌آید ۱۰۷
۱۱. خدا در خواب پیامبر ۱۰۷
۱۲. خدا خود را معرفی کرده، مؤمنان او را شناخته و ۱۰۹
۱۳. خدای جوان با صورتی بی‌ریش و موهایی فرفری ۱۱۰
۱۴. خدای زیبای وهابیت مورد سوء قصد ۱۱۲
۱۵. خدایی که هر شب از آسمان به پایین می‌آید ۱۱۴
۱۶. خدایی که الاغ‌سوار از آسمان به زمین می‌آید ۱۱۵
۱۷. آب و علف برای الاغ خداوند بر پشت بام مسجد ۱۱۶
۱۸. مکان خدا ۱۱۷

- الف. خداوند در مقابل نمازگزار..... ۱۱۷
- ب. خدا در آسمان..... ۱۱۸
- ج. خدا در عرش..... ۱۱۹
- د. خداوند میان ابرها پیش از آفرینش جهان..... ۱۲۰
۱۹. خدای بی توجه و محاسبه!..... ۱۲۱
- الف. خلقت نامناسب بهشت و دوزخ..... ۱۲۱
- ب. تکمیل آیه با آمدن ابن ابی مکتوم..... ۱۲۳
- ج. تأخیر خداه‌اند در تکمیل آیه..... ۱۲۴
۲۰. اعضا و جوارح خدا..... ۱۲۵
- الف. صورت خدا..... ۱۲۵
- ب. چشم‌های خدا..... ۱۲۷
- ج. دست‌های خدا..... ۱۲۸
- د. انگشتان خدا..... ۱۳۰
- ه. خدای پنج انگشتی..... ۱۳۰
- و. گوش خدا و در گوشی حرف زدن با او..... ۱۳۱
- ز. کمر خدا و گلاویز شدن به او..... ۱۳۲
- ح. پای خدا..... ۱۳۳
- ط. ساق پای خدا..... ۱۳۴
- دفع توهّم از آیه شریفه قرآن..... ۱۳۵
۲۱. نحوه خوابیدن خدا..... ۱۳۸
- چرا روایات وهابیت را حمل بر مجاز نکنیم؟..... ۱۴۱
- نگاهی به روایات شیعه در موارد مشابه..... ۱۴۷

فصل سوم:

مروژ اجمالی بر صحاح ستہ

۱. صحیح بخاری ۱۵۲
۲. صحیح مسلم ۱۵۳
۳. سنن ابی داود ۱۵۴
۴. جامع ترمذی ۱۵۵
۵. سنن ابن ماجہ ۱۵۵
۶. سنن نسائی ۱۵۶
- اعتبار بالای کتاب بخاری نزد علمای اہل سنت ۱۵۸
- الف. صحیح ترین کتاب بی از قرآن کریم نزد اہل سنت و وہابیت ۱۵۸
- ب. بزرگ ترین و با منزلت ترین کتاب نزد اہل سنت و وہابیت ۱۵۸
- ج. بررسی روایت کتاب بخاری بدلت و حرام است ۱۵۹
- د. روایات کتاب بخاری از پل صحت و اعتبار برخوردار کرده ۱۵۹
- ه. ابن تیمیہ تمام روایات کتاب بخاری را سخاوت پادشہ می دانند ۱۵۹
- و. سوگند به روایات بخاری و مسلم برای طلاق همسر ۱۶۰
- ز. توصیه پیامبر ﷺ در بین رکن و مقام بر خواندن کتاب بخاری ۱۶۱
- ح. کتاب بخاری در هر کشتی باشد غرق نگردد ۱۶۲
- ط. برادر قرآن و برگزاری ہمسالہ ختم صحیح بخاری ۱۶۳
- کتاب بخاری و مسلم در یک نگاه ۱۶۳
- روایت بخاری از دشمنان اہل بیت و نواصب ۱۶۳
۱. خریز بن عثمان حمصی ۱۶۹
۲. عمر بن سعد بن ابی وقاص، قاتل امام حسین علیہ السلام ۱۷۳

۳. عمران بن حطان ۱۷۴
- روایت بخاری و مسلم از گروه شراخواران ۱۷۵
- کم لطفی‌های بخاری نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام ۱۷۷
- مقایسه روایات بخاری از ابوهریره و امیرمؤمنان علیه‌السلام ۱۸۰
- مقایسه روایات بخاری از عایشه و حضرت زهرا علیهما‌السلام ۱۸۳
- تنقیص مقام حضرت زهرا علیه‌السلام در کتاب بخاری ۱۸۴
- تنقیص مقام امیرمؤمنان علیه‌السلام ۱۸۷
- اتهام قضا شدن نماز امیرمؤمنان از سوی بخاری ۱۸۷
- ناید گرفتن خلافت امیرمؤمنان علیه‌السلام از سوی بخاری ۱۹۱
- اتهام بخاری بر طمع داشتن امیرمؤمنان علیه‌السلام به خلافت ۱۹۸
- بیان فضائل بخاری بر طمع داشتن امیرمؤمنان علیه‌السلام ۲۰۰
- اعتراف ابن تیمیه بر بی‌نسیانی معاویه ۲۰۱
- اعتراف شوکانی بر بی‌فضیلتی معاویه ۲۰۱
- اعتراف سیوطی بر بی‌فضیلتی معاویه ۲۰۲
- یکی از کارهای زشت از معاویه ۲۰۲
- خودداری از صلوات بر آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ۲۰۴
- اتهام بخاری به حضرت حمزه سید الشهداء علیه‌السلام ۲۰۵
- راوی این اتهام کیست؟ ۲۰۸
- ژهری کیست؟ ۲۰۹
- ژهری در شام ۲۰۹
- نشر احادیث به نفع بنی امیه ۲۱۰
- مهم‌ترین محور احادیث زهری ۲۱۲
- ژهری از دیدگاه علمای شیعه و سنی ۲۱۲
- اتهام مسلم نیشابوری به شیعیان ۲۱۳

اشکالات دیگر کتاب بخاری.....	۲۱۵
شک و تردید در انتساب کتاب بخاری به وی.....	۲۱۵
احتمال سرقتی بودن کتاب بخاری.....	۲۱۵
احتمال نوشته شدن کتاب بخاری توسط دیگران.....	۲۱۶
احتمال نوشته شدن کتاب بخاری پس از وی.....	۲۲۱
اسرائیلیات در کتاب بخاری.....	۲۲۲
برتری بخشیدن حضرت موسی علیه السلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله	۲۲۳
ترویج خرافات.....	۲۲۶
سنگبار شدن میمون زناکار.....	۲۲۶
حدیث دُباب (مکس).....	۲۲۶
داستان خراسی «حسانه».....	۲۲۹
نقد و بررسی حدیث حسانه.....	۲۳۲
علل و عوامل اعتقادات منحرف و غلط در عرصه احادیث.....	۲۳۴
۱. ضایعه جبران ناپذیر ممنوعیت نقل حدیث در زمان ابوبکر.....	۲۳۵
۲. آتش زدن احادیث نبوی صلی الله علیه و آله توسط ابوبکر.....	۲۳۷
۳. از دست رفتن گنجینه احادیث، پس از منع کتابت در زمان عمر رضی الله عنه	۲۳۹
۴. بخشنامه سراسری عمر در محو سنت نبوی صلی الله علیه و آله	۲۴۱
۵. پدید آمدن بدعت‌ها پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله	۲۴۳
الف. بدعت در تمام سنت‌ها حتی در نماز.....	۲۴۴
ب. بدعت در همه سنت‌ها به جز اذان.....	۲۴۵
ج. بدعت در همه سنت‌ها به جز قبله.....	۲۴۶
۶. بی توجهی صحابه به احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله	۲۴۶
الف. برخی صحابه دنبال تجارت و دنیا.....	۲۴۷
ب. ابوهریره دنبال پر کردن شکم.....	۲۴۷

- ج. عایشه دنبال عشوه‌گری ۲۴۸
۷. انتشار احادیث دروغ و جعلی ۲۴۹
- الف. انبوهی از روایات دروغین نزد وهابیت ۲۵۰
- ب. دروغ بودن سه‌چهارم از روایات مورد قبول وهابیت ۲۵۰
- ج. اندک بودن احادیث صحیح نزد وهابیت ۲۵۰
- د. امیرمؤمنان (ع) روایات صحابه را بدون سوگند نمی‌پذیرفت ۲۵۱
- ه. عمر بن خطاب اعتماد به روایات صحابه نداشت ۲۵۱
- و. اندک بودن روایات وهابیت ۲۵۳
۸. روایات اسرائیلیات در کتب مورد قبول وهابیت: ۲۵۵
- روایات صحابه و تابعین از کعب الاحبار یهودی ۲۵۷
۹. دور نماندن دست و دم از معارف اهل بیت (ع) ۲۶۰
۱۰. پیدایش مکاتب رأی، قیاس و اجتهادات عقلی ۲۶۱
۱۱. تمسک به ظواهر آیات قرآن و روایات کتاب بخاری و مسلم ۲۶۲
- درخشش فقه اهل بیت (ع) در کشورهای اسلامی ۲۶۲
- الف. قانون رضاع از یک قطره به ۱۵ بار ۲۶۳
- ب. عدول از قانون سه طلاق به یک طلاق ۲۶۴
- ج. حداکثر دوران بارداری از ۲ سال به ۹ ماه ۲۶۵
- د. عدول از عدم جواز به جواز وصیت برای وارث ۲۶۶
- ه. توسعه وقت رمی جمرات ۲۶۶
- و. رویکرد علمای الازهر به فقه شیعه ۲۶۸
- پایان کتاب ۲۷۱
- مهم‌ترین منابع و مآخذ پس از قرآن کریم و نهج‌البلاغه ۲۷۳
- از دیگر تألیفات همین نویسنده در موضوع وهابیت ۲۹۱

خطبه كتاب

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَنْفَعُ الْفَائِلُونَ وَلَا يَخْصِي نِعْمَاءَهُ الْعَادُونَ
وَلَا يُؤَدِّي حَقَّهُ الْمُجْتَهِدُونَ، الَّذِي لَا يُرِيكَ بَعْدَ الْهِمَمِ وَلَا يَنَالُهُ غَوْصُ الْفِطَنِ،
الَّذِي لَيْسَ لِصِفَتِهِ حَدٌّ مَحْدُودٌ وَلَا نَفْثٌ مَوْجُودٌ وَلَا رَقْتُ مَعْدُودٌ وَلَا أَجَلُ
مَمْدُودٌ، فَطَرَ الْخَلَائِقَ بِقُدْرَتِهِ وَنَشَرَ الرِّيَّاحَ بِرَحْمَتِهِ وَوَدَّ بِالْأَحْجَارِ مَدَانَ أَرْضِهِ.
الَّذِي كَانَ مِنْ لُطْفِهِ أَنَّهُ لَمْ يَتْرِكِ الْخَلْقَ عَبَثًا حَائِرِينَ، بَلْ أَرْسَلَ إِلَيْهِمْ
مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ، لِيَسْتَأْذِنُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَيَذْكُرُوهُمْ مَنَسِيَّ نِعْمَتِهِ،
وَأَيِّدَهُمْ بِالْمُعْجَزَاتِ وَالْبَيِّنَاتِ.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرَةِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ الَّذِي خَتَمَ اللَّهُ بِهِ الرِّسَالَاتِ
وَالنُّبُوءَاتِ، وَعَلَى آلِهِ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَخْيَارِ وَالْحَجَّاجِ الْمُسْتَجِيبِينَ. وَاللَّعْنَةُ الدَّائِمَةُ
عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.

سپاس خدایی را که سخنوران، در ستودن او بمانند و شمارگران، شمردن نعمت‌های او ندانند و کوشندگان، حقّ او را گزاردن نتوانند. خدایی که پای اندیشه‌ی تیزگام، در راه شناسایی او لنگ و سرِ فکرتِ ژرف، رو به دریای معرفتش بر سنگ. صفت‌های او تعریف ناشدنی، به وصف در نیامدنی، در وقت ناگنجیدنی و به زمانی خاص، نابودنی است. به قدرتش خلایق را بیافرید، به رحمتش، باها بپراکنید و با خرسنگ‌ها، لرزه زمین را در مهار کشید.

همو که از سرِ لطف، مخلوقات را سر درگم و حیران نساخت و رسولانی هایت‌گر و هشدارگر با معجزات و نشانه‌هایی واضح فرو فرستاد تا بدین‌سان آنان را تأیید و پیمان فطرت و نعمت‌های فراموش شده خداوند را بر یاد آور شوند.

و سلام و درودش بر بهترین مخلوقات، محمد مصطفی ﷺ که رسالت و نبوت بدو پایان بخشید و بر خاندان پاک و برگزیده‌اش و لعن جاودانه بر دشمنانشان تا روز قیامت!

۱. آمیخته‌ای از خطبه اول نهج البلاغه امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام و مقدمه کتاب «الامامة والتبصرة» ابن بابویه قمی (۱۳۲۹هـ)، پدر شیخ صدوق (۳۸۱هـ).

آغاز سخن

شناخت اجمالی وهابیت

در کوتاه سخن می‌توان وهابیت را قرائتی جدید از مذهب سنی حنبلی دانست که با تفسیری سطحی و ظاهرپیمانه از آیات و روایات، تنها خود را مسلمان دانسته و دیگران را مشرک و ریختن خون هر مسلمان غیر وهابی را مباح می‌شمارد!

۱. بر خلاف آنچه امروز مشاهده می‌شود که وهابیت خود را به دیگر فرقه‌های اهل سنت نزدیک کرده تا بتواند بر علیه شیعه و کشتار آنان، جبهه شریکی ایجاد کند، اما حقیقت آن است که این فرقه در آغاز شکل‌گیری خود، کشتن تمام فرقه‌های غیر وهابی اعم از اهل سنت و شیعه را دستور کار خود قرار داد؛ چنان‌که یکی از علمای بزرگ اهل سنت در تأیید این سخن می‌گوید:

مَطْلَبٌ فِي اتِّبَاعِ عَبْدِ الْوَهَّابِ الْخَوَارِجُ فِي زَمَانِنَا... إِعْتَقَدُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْمُسْلِمُونَ وَإِنَّ مَنْ خَالَفَ إِعْتِقَادَهُمْ مُشْرِكُونَ، وَاسْتَبَاحُوا بِذَلِكَ قَتْلَ أَهْلِ السُّنَّةِ وَدِمَائِهِمْ...

سخن در باره پیروان محمد بن عبد الوهاب که همچون خوارج زمان ما هستند... این گروه، فقط خود را مسلمان دانسته و مخالفان خود را مشرک می‌دانند؛ اینان به همین دستاویز، خون اهل سنت را مباح شمرده و آنان را به قتل می‌رسانند...

این فرقه را می‌توان با مبانی فکری و اعتقادی آنان شناخت که بر اساس آموزه‌های تند، افراطی و ظاهرینانه از قرآن و روایات اسلامی با اندک بهانه‌ای حکم به تکفیر دیگران می‌دهند^۱.

این فرقه توسط «محمد بن عبد الوهاب»، متوفای ۱۲۰۵هـ و با کمک تنگاتنگ حاکم عربستان در آن زمان، «محمد بن سعود» (جدّ اعلاّی حاکمان



حاشیه رد المختار علی الدر المختار، ج ۴، ص ۲۶۲، باب فی اتباع عبد الوهاب، ابن عابدین (۱۲۵۰هـ)، دار الفکر للطباعة والنشر - بیروت ۱۴۲۱هـ.

۱. آیت الله عظمی شیخ جعفر سبحانی عمده مبانی اعتقادی وهابیت را موارد ذیل بر می‌شمارد:

- ۱- حرمت زیارت قبر؛
- ۲- حرمت بار بستن و سفر کردن برای زیارت قبر پیامبر گرامی ﷺ؛
- ۳- حرمت ساخت بنا بر قبور؛
- ۴- حرمت ساخت مسجد بر قبور و نماز کردن در آن؛
- ۵- حرمت توسل به انبیاء، اولیا، صالحان و اشخاص در این قبیل؛
- ۶- حرمت اعتقاد به نفع رسیدن به اموات با اعمال شایسته‌ای که او سوی افراد زنده صورت می‌گیرد؛ همچون نذر نمودن برای آنها؛
- ۷- حرمت تبرک جستن به آنچه متعلق به انبیاء و صالحان است؛
- ۸- حرمت جشن گرفتن برای میلاد پیامبر گرامی ﷺ؛
- ۹- حرمت گریه بر اموات؛
- ۱۰- حرمت سوگند به حق اولیا؛
- ۱۱- حرمت سوگند به غیر خداوند سبحان؛
- ۱۲- حرمت نام گذاری فرزندان به نام‌های مرکبی که در آن، کلمه «عبد» به غیر از خداوند سبحان اضافه شده باشد؛ مانند: عبد الحسین.

فعلی سعودی) و همچنین کمک‌های سرشار مالی، فرهنگی و نظامی مستشاران انگلیس در منطقه نجد و درعیه عربستان پایه‌گذاری گردید.

تفکرات انحرافی و ریشه‌های فکری محمد بن عبدالوهاب را می‌توان نشأت گرفته از سلف وی همچون: معاویه بن ابی سفیان (متوفای ۶۰هـ)، مروان بن حکم (متوفای ۶۱هـ)، حجاج بن یوسف ثقفی (متوفای ۹۵هـ)، ابومحمد حسن بن علی بن خلف بربھاری (متوفای ۳۲۹هـ) و سرانجام از ثورسین و نظریه‌پرداز مکتب وهابیت، ابن تیمیه حرّانی (متوفای ۷۲۸هـ) دانست که از یک از این تفکرات، در زمان خود محکوم به شکست بود تا این‌که در قرن دوازدهم هجری، توسط محمد بن عبد الوهاب، رمقی تازه یافت و با استقبال دینداران حکام آل سعود و استعمار پیر انگلیس بهترین حربه برای ایجاد اختلاف در صفوف مسلمانان تشخیص داده شد و به همین‌رو از روز تأسیس این فرقه تاکنون، آنچه از این گروه دیده شده جز ایجاد اختلاف در صفوف مسلمانان و تراج جان، مال، عرض، ناموس و حیثیت جامعه اسلام و بشریت چیز دیگری نبوده است.

دورنمایی از فصل نخست کتاب

گذشته از جنایات و مصیبت‌های از آغاز تاکنون این فرقه، شاهد آموزه‌های سست و برداشت‌های نادرست و سطحی از آیات قرآن کریم از

-
۱. مطالب تفصیلی، در باره تاریخچه وهابیت، نحوه شکل‌گیری و جنایات پدیده آمده توسط این فرقه ضاله و مطالب مرتبط دیگر را می‌توانید در کتاب «شاخ شیطان» (نقد و بررسی فرقه ضاله وهابیت در هفت فصل) از همین نویسنده بخوانید.

سوی آنان هستیم که جز محرومیت از معارف ناب و متعالی اهل بیت علیهم السلام و ارائه تصویری زشت و خشن از اسلام، نتیجه دیگری در بر نداشته است.

از باب نمونه، وهابیت در موضوع توحید که اساسی‌ترین اصل دین مبین اسلام و از افتخارات آن در برابر دیگر ادیان آسمانی است، چنان سطحی و قشری‌گرایانه سخن گفته‌اند که با خرد هر انسان آزاداندیش و یا مسلمان با خبر از آموزه‌های خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام که ترجمان وحی الهی و حقایق قرآنی هستند غیر قابل پذیرش است.

بر خلاف تصور رایج که در مرحله نخست، وهابیت را ضدّ شیعه و مخالف با افکار این مذهب می‌دانند، باید پیش از آن، آنها را ضد توحید و ربوبیت پروردگار یگانه و یکتا دانست.

بنگرید آنان که شیعه را به خاطر «ترسل»، «شفاعت»، «یا حسین و یا علی گفتن»، «بوسیدن خانه خدا و حرم پیامبر و اهل بیت علیهم السلام» که همه ریشه در قرآن و سنت صحیح نبوی دارد «مشرک» می‌خوانند در قلمرو توحید الهی به چه ورطه‌ای لغزیده‌اند.

«خدای وهابیت» کیست؟

آیا خدای وهابیت که در زیر به برخی از شاخصه‌های آن اشاره می‌شود پرستیدنی و معتقدان به چنین خدایی دارای توحید ربوبی است؟

«خدایی جسمانی در سیمای جوان خوش سیما و گندمگون، با موهای فرفری و در هم پیچیده، با چهره‌ای بسیار شبیه به چهره حضرت آدم، با کفش‌های زیبای زردگون، دارای اعضا و جوارحی همچون چشم، گوش، دست، پا و در عین حال بدون ریش،

عورت، کبد و طحال، بر صندلی در عرش تکیه زده، گاهی سوار بر الاغ و یا پشت پشه، به آسمان دنیا فرود می‌آید، صدای خنده مستانه‌اش شنیدنی، گاهی خندان، گاهی متعجب، چون دلتنگ دیدارش شویم در خواب به دیدارش نائل گردیده، وگرنه حتماً در قیامت به وضوح و روشنی همچون ماه شب چهارده، افتخار دیدارش نصیب خواهد گردید و چون او را نشناسیم با ساق پای عریانش شناخته، سپس به منزلش وارد شده در برابرش به سجده افتیم؛ خدایی که مساحت بهشت و تعداد بهشتیان ساکن در آن را نمی‌داند، به همین‌روی برای خالی نماندن بخش زیادی از بهشت، گروهی از انسان‌ها را همان زمان می‌آفریند تا بخشی از بهشت، بی‌استفاده نمانده و نیز در برابر درخواست فراوان جهنم برای بلعیدن کافران در رخیان، پس از آن که گروه فراوانی از آنان را فوج فوج به دوزخ می‌برد، اما چون دوزخ را سیرایی نیست بالاخره و به ناچار خود، جسمی گردیده و پا در آتش نهاده و اشتهای سیرایی ناپذیر جهنم را سیرایی می‌بخشد...^۱

شاید خواننده گرامی جملاتی که گذشت را به طنز و فکاهیات شبیه‌تر بداند تا مبانی فکری و اعتقادی گروهی از مسلمانان اما حقیقت آن است که نه‌تنها اینها اعتقادات گروهی داعیه‌دار مسلمانی است و هرگز منکر این سخنان نیستند، بلکه همان‌گونه که در ادامه خواهد آمد با شدت، حدت و سینه‌چاک از این سخنان دفاع کرده و مخالفان خود را «کافر»، «مشرک» و فتوا به قتلشان صادر می‌کنند.

۱. آنچه در متن بالا آمد چکیده‌ای از فتاویٰ مفتیان اعظم عربستان سعودی و استادات آنان از کتاب بخاری و مسلم است که در فصل نخست کتاب به تفصیل خواهد آمد.

«خدای من» کیست؟

فاش می‌گویم:

«اگر توحید و خدایی که وهابیت ما را به آن می‌خواند، همان خدایی است که در بالا آمد و استناداتش در ادامه خواهد آمد، ما به چنین خدایی «مشرک هستیم»^۱. از او «برانت جسته و او را بندگی نمی‌کنیم»^۲. و خدای خود را از آنچه وهابیت توصیف می‌کند پاک و منزّه می‌دانیم»^۳.

خدای ما چنین خدایی است:

«یکتا»^۴، بی‌همتا»^۵، بی‌اندر»^۶، دارای تمام هستی»^۷، با ما در همه جا»^۸، خارج از کون و مکان»^۹، منزّه از توصیف و خیال و همانی»^{۱۰}، بی‌نیاز

۱. «سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ» (حشر/۲۲) «خداوند منزّه است از آنچه شرک برای او قرار می‌دهند!»

۲. «إِنِّي بَرَاءٌ مِمَّا تَعْبُدُونَ» (زخرف/۲۶) «من از آنچه شما می‌پرستید بیزارم.»

۳. «سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ» (انعام/۱۰۰) «منزّه و برتر است خدا از آنچه توصیف می‌کنند!»

۴. «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» (توحید/۱) «بگو: خداوند، یکتا و یگانه است.»

۵. «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» (توحید/۴) «و برای او هیچگاه شبیه و مانندی نبوده است!»

۶. «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» (شوری/۱۱) «هیچ چیز همانند او نیست.»

۷. «وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ» (بقره/۱۱۵) «مشرق و مغرب، از آن خداست!»

۸. «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ» (حدید/۴) «و هر جا باشید او با شماست.»

۹. «فَإِنَّمَا تُؤَلُّوْا قَمًّا وَجَهَ اللَّهِ» (بقره/۱۱۵) «و به هر سو رو کنید، خدا آنجاست!»

۱۰. «سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ» (انعام/۱۰۰) «منزّه است خدا، و برتر است از آنچه توصیف می‌کنند!»

از هر آنچه در دایره هستی است^۱، بیننده همه چیز^۲ و غیر قابل دیدن^۳، در دایره تشبیه و جسمانیت^۴ و در حیطه علم و آگاهی ما نمی‌گنجد^۵، و...»

به همین منظور در این کتاب، برآنیم تا خدای وهابیت را به تصویر کشیم تا صاحبان خرد به قضاوت نشینند آیا خدایی که در تراوشات اندیشه بیمار وهابیت آمده توحیدی و پرستیدنی است؟!

آیا شایسته است کسانی که چنین پندار بیماری در باره خداوند سبحان دارند، خود را «موحد» پنداشته و پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) را که بر اساس «وهابیت» منزّه از هرگونه تجسیم، تمثیل و تنظیر بیان شده را «مشرک» بدانند؟!

به خواست خدا به زودی در باب دیگری پیرامون پیامبر وهابیت سخن خواهیم گفت تا روشن سازیم گروهی که امروز ندای پیروی از

۱. «قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنِ الْعَالَمِينَ» (آل عمران/۹۷) «خداوند از همه جهانیان بی‌نیاز است.»

۲. «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ» (انعام/۱۰۳) «چشمها او را نمی‌بینند ولی او همه چشمها را می‌بیند.»

۳. «قَالَ رَبِّ ارْنِي أَنْظُرَ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرَانِي» (اعراف/۱۴۳) «موسی به پروردگار عرض کرد: «پروردگارا! خودت را به من نشان ده، تا تو را ببینم» گفت: «هرگز مرا نخواهی دید»

۴. «فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نحل/۷۴) «پس، برای خدا امثال (و شبیه‌ها) قائل نشوید! خدا می‌داند، و شما نمی‌دانید.»

۵. «وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا» (طه/۱۱۰) «آنها به (علم) او احاطه ندارند!»

سنت نبوی و سلف صالحان^۱ گوش فلک را کر کرده و شیعه را متهم به عدم پیروی از سنت راستین نبوی نموده و ما را بدعت‌گذار و خرافی می‌پندارند چگونه سنت و شخصیتی از پیامبر خدا ﷺ معرفی و به جهانیان عرضه می‌دارند.

«پیامبر وهابیت» کیست؟

پیامبر اکرم ﷺ پس از شهادت جانگدازش نزد علما و مفتیان وهابیت چنین پیامبری است:

«هرگونه سفر برای زیارت بارگاه مطهرش، توسل به حضرتش، سلام، صلوات، درود، نماز دعا نزد قبر مطهرش و اهداء هرگونه ثواب به روح ملکوتیش بدعت است و حرام، فاقد هرگونه ارتباط دوسویه با جهان هستی، همسان و هم‌ارزش با دیگر مردگان، گنبد و بارگاه نورانش محکوم به تخریب و جشن میلاد و سوگواری و عزا در سالگرد ولادت و شهادتش حرام و...^۲ پیامبری که - نعوذ بالله - در روایات مورد استناد آنان، مشرک‌زاده‌ای ناآگاه به بسیاری از امور معیشت دنیا، کم‌هوش و حافظه، فراموش‌کار، عاشق مطربان و رقاصان، بی‌مبالات نسبت به

۱. مطالبی پیرامون وجه نام‌گذاری «وهابیت»، «سلفیه»، «سلفی‌گری» و دیگر موضوعات مرتبط را در کتاب «شاخ شیطان» از همین نویسنده بخوانید.

۲. آنچه در متن بالا آمد چکیده‌ای از فتاوی مفتیان اعظم عربستان سعودی در باره پیامبر اکرم ﷺ است که می‌توانید در کتاب دیگری به نام «پیامبر وهابیت» از

اختلاط زن و مرد نامحرم، بی‌توجه به احکام شریعت به نحوی که برخی صحابه به او گوشزد نموده، گاهی برخی آیات قرآن را فراموش کرده، نمازهایی عجیب و غریب خوانده که برخی از آنها در آغل گوسفندان به پا داشته می‌شد، در برابر دیگران ایستاده بول کرده، چندین بار برای خودکشی بر فراز کوه رفت، ولسی جبرئیل او را منصرف کرد و در یک کلام روایاتی که زبان یاسوه‌سرایان، دشمنان اسلام، کاریکاتوریست‌های اروپایی و سلمان رشدی مرتد در کتاب «آیات شیطانی» را در برابر مسلمانان دراز کرده، مروت بر انسان آزاداندیش و غیرتمند را از شنیدن چنین سخنان به حروش آورد. و غیرت اسلامی و انسانی‌اش را در دفاع از حریم نبوی ﷺ بی‌میرجان بی‌آورد...^۱

آیا سزوار است گروه نامبردار، فتاوایی آن‌گونه و روایاتی این‌گونه خود را اهل «سنت» بخوانند و شیعیان را که مقام عصمت را شایسته حضرتش و سهو، نسیان، رفتار ناشایست و مخالفت با مروت و فتوت را دور از حریمش دانسته و بر اساس نصوص قرآن کریم او را دارای «أسوه حسنه»^۲ و «صاحب خلق عظیم»^۳ می‌دانند را اهل «بدعت»؟

آیا کتاب «آیات شیطانی»، اثر بی‌ارزش و کفرآمیز «سلمان رشدی»

۱. آنچه در بالا آمد چکیده‌ای از روایات کتاب بخاری و مسلم است که در کتاب دیگری به نام «پیامبر و هابیت» از همین نویسنده می‌خوانید.

۲. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب/۲۱) «مسلمانان! برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود...»

۳. «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم/۵) «و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری!»

که به خاطر اهانت‌هایش به بزرگ‌ترین شخصیت جهان اسلام، توسط امام خمینی رحمه‌الله فتوای اعدامش صادر گردید و نیز کاریکاتورها و تصاویر اهانت‌آمیزی که در چند کشور اروپایی یکی پس از دیگری در جسارت به ساحت مقدس نبوی کشیده و عکس‌العمل شدید جهان اسلام، مراجع عظام تقلید شیعه و رهبر فرزانه انقلاب را در پی داشت^۱ و یا در مناظره‌ای که اخیراً میان یکی از علمای مسیحی (قبطی) در مصر با یکی از علمای وهابی در باره شخصیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم صورت پذیرفت و عالم و بابی را در برابر میلیون‌ها بیننده شرمسار ساخت^۲ به جز با استناد به این فتاوا و روایات اهانت‌آمیز است؟

۱. گزیده‌ای از سخنان رهبر فرزانه انقلاب در دیدار کارگزاران نظام، پس از اهانت‌های کاریکاتورست‌های اروپایی مورخ: ۱۳۷۹/۱

«تصادفی نیست که ما مشاهده می‌کنیم در سال‌های اخیر، مثل دوران قرون وسطی و دوران تحلیل‌های مغرضانه مستشرقین، نسبت به ساحت مقدس نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اهانت روا می‌دارند... مدت‌ها فاصله شده بود؛ پس اخیراً باز شروع کردند. در چند سال اخیر، انسان یک تهاجم مطبوعاتی و فرهنگی پلید و شومی را در اکناف عالم نسبت به شخصیت نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مشاهده می‌کند!... علمای اسلام، روشنفکران مسلمان، نویسندگان، شعرا و هنرمندان دنیای اسلام، امروز وظیفه دارند تا آن‌جایی که توان آنها اجازه می‌دهد، شخصیت نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ابعاد عظمت این وجود بزرگ را برای مسلمانان و غیر مسلمانان ترسیم کنند. این امر به اتحاد امت اسلامی و به خیزشی که امروز در نسل‌های جوان امت اسلام به سوی اسلام مشاهده می‌شود، کمک خواهد کرد.»

<http://farsi.khamenei.ir/print-content?id=۳۰۱۴>

۲. <http://www.muslimchristiandialogue.com>

«پیامبر من» کیست؟

فاش می‌گویم:

«پیامبر من، پیامبر وهابیت نیست و سنت چنین پیامبری را پیرو نیستم. پیامبر من از عالم افلاک است نه از عالم خاک^۱، مهبط وحی است و تجلی‌گاه آیات خدا^۲، مظهر خلق عظیم^۳، داناترین و آگاه‌ترین انسان‌ها در پهنه گیتی^۴، محب و محبوب خدا و به همین رو، مایه امنیت از عذاب مخلوقات^۵ و رحمة للعالمین^۶، سرمشق دفتر انسانیت^۷، مظهر رأفت و مهربانی^۸، چراغ فروزان در تجلی نور

۱. «وَلِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَّكَ مِنْ دُنْوَ» (ضحی/۵) «هر آینه آخرت برای تو بهتر از دنیاست.»

۲. «إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ» (زمره/۴۱) «ما این کتاب را بر تو نازل کردیم...»

۳. «وَأَنَّكَ لَعَلَّ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم/۲۱) «و تو را به خوبی بزرگ هستی.»

۴. «وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا» (نساء/۱۱۳) «و خدا بر تو کتاب و حکمت نازل کرد و چیزهایی

به تو آموخت که از این پیش نمی‌دانسته‌ای و خدا لطف بزرگ خود را بر تو ارزانی داشت.»

۵. «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ» (انفال/۳۳) «تا آن‌گاه که تو در میانشان هستی خدا عذابشان نکند.»

۶. «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء/۱۰۷) «و نفرستادیم تو را، جز آن که می‌خواستیم به مردم جهان رحمتی ارزانی داریم.»

۷. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب/۲۱) «شخص رسول الله برای شما مقتدای پسندیده‌ای است.»

۸. «بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ رَحْمَةٍ» (توبه/۱۲۸) «با مؤمنان رنوف و مهربان است.»

وحی و تفسیر آیات رحمت^۱، از عرش به فرش آمده تا خلقت، بی‌غایت نماند، آفرینش، بی‌مقصد نشود و انسانیت بی‌هدف نگردد^۲ و در یک کلام آنچه خوبان همه دارند او تنها دارد^۳ و تو ای تجلی همه زیبایی‌ها ساخت پاک و خاطرت آزرده^۴ و خدای تو می‌داند که آنان در خفا و آشکار چه در سودای ناپاکشان می‌پروراندند^۵ و برای توست پاداشی بی‌پایان^۶...

این اثر می‌کوشد تا برخی پیامدهای منفی دوری از «خاندان وحی» و «وآوردن به «مکتب خلفا» که حاصل آن، روایات ساختگی و منسوب به ساخت قفس زبونی در موضوع «خدای وهابیت» می‌باشد را به تصویر کشد. در حقیقت روایاتی را که از متون غیر اسلامی وارد منابع روایی برخی فرقهای اسلامی گشته و در گذر زمان، رفته رفته به عنوان معتقدات برخی از آنان به خصوص فرقه ضالّه وهابیت قرار

۱. «وَدَاعِيَا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَيَسْأَلُ الْمُتَّقِينَ» (احزاب/۴۶) «و برای مردم چراغی تابناک باشی و آنان را به فرمان خدا بخوانی».

۲. «لَوْلَاكَ لَمَّا خَلَقْتَ الْاَفْلاَکَ» ای پیامبر اگر تو نبودی افلاک را نیز نمی‌آفریدم. «پیرامون این حدیث در ادامه کتاب به تفصیل سخن به میان خواهد آمد».

۳. «إِنَّا أَغْطَيْنَاكَ الْکَوْثَرَ» (کوثر/۱) «ما همه خوبی‌ها را به تو عطا کردیم».

۴. «فَلَا يَخْزُوكَ قَوْلُهُمْ» (یس/۷۶) «سخنشان تو را اندوهگین نسازد. ما هر چه را پنهان می‌دارند یا آشکار می‌سازند می‌دانیم».

۵. «إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسْرُونَ وَمَا يُعْلِنُونَ» (یس/۷۶) «ما هر چه را پنهان می‌دارند یا آشکار می‌سازند می‌دانیم».

۶. «وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ» (قلم/۳) «و تو راست پاداشی پایان‌ناپذیر».

گرفته و نتیجه آن صدور فتاوی عجیب و غریب و احکام تکفیری و کشتار مسلمانان به خصوص شیعیان گردیده را بنمایاند و این پرسش را در برابر دیدگان آزاداندیش و منصف قرار دهد که راستی بر جامعه اسلامی چه گذشت که خاندان وحی، خانه نشین، منزوی و معارف نابشان بی مشتری، اما تازه مسلمانانی که برخی از آنان در دشمنی با اهل بیت علیهم السلام گوی سبقت را از یکدیگر ربوده، مرجع روایی و دینی مسلمانان گردیدند؟

امید که بتوانیم در این تلاش اندک، کمترین دین خویش را به ساحت ربوبی و سنت نبوی ادا نموده و در زدودن پیرایه های زشت و نامطلوبی که در حوزه اندیشه اسلامی وارد گردیده، توفیق حاصل نماییم.

از خوانندگان اثر خواستاریم، در صورتی که مطالب این کتاب را در نشر معارف اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام آشکار ساختن فضایح فرقه ضالّه وهابیت، مفید و مؤثر دیدند در معرفی آن به دوستداران اهل بیت علیهم السلام دریغ نورزیده و بدین وسیله نویسنده را در ادامه راه، حمایت نمایند؛ وی نیز نزد خدای خویش متعهد است تا آنان را در ثواب این اثر، شریک سازد.

ران ملخی است تحفه مور، تقدیم به سلیمان ملک وجود، همو که جهان در انتظار اوست تا بیاید و جهان را پر از عدل و داد سازد.

ذخیره ای باشد برای روزی که دست ها خالی و چشم ها به لطف و گرم اوست.

تا چه قبول افتد و چه در نظر آید که هرچه داشته و داریم به یمن وجود اوست.

برگ سبزی است تحفه درویش چه کند بینوا، ندارد بیش

﴿وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ﴾

یا علی گفتیم و عشق آغاز شد...

سید مجتبیٰ عصیری

۱. پیشنهاد و انتقاد سازنده شما عزیز، ره توشه‌ای است در ادامه مسیر. حضورتان سبز و دست حمایتان گرم. نویسنده کتاب، خادم خادمان حریم اهل بیت (علیهم‌السلام) به سه طریق، چشم انتظار لطف بی دریغ شماست:

الف. ایمیل AABAAD_JRAN@yahoo.com

ب. یاهو مسنجر با آیدی بالا.

ج. پیامک یا تماس با شماره همراه ۰۹۳۹۵۹۵۶۴۶۴

عزیزانی که به هر شکل در ترویج و معرفی این کتاب به مخاطبان و یا هرگونه حمایت دیگر، گامی بردارند در ثواب این اثر سهیم‌اند.